



# ورزش اردبیل

بلاگ ورزشی اردبیل

سال سوم شماره ۳۰

شماره ۳۰، بهمن، ماه سال ۱۳۹۵

۲۰۱۷ جمادی الاول - ۱۳۳۸ - ۲۰۱۷

قیمت

NOL3-NO30-18FEB-2017

شفاف سازی بهترین هدیه  
برای افکار عمومی

ژنرال های فوتبال اردبیل

انتخاب هوشمندانه در انتخابات شورای شهر

گذشت در مقابل زیاده خواهی

سرگذشت دردناک فوتبال اردبیل و سؤالات بی جواب



اردبیل  
نائب قهرمان  
گشتی فرنگی کشور  
در سال ۷۶

## توپ های ورزشی بتا

### BETA SPORT BALLS

تولید کننده بهترین توپ های  
والیبال چرم با آخرین  
استانداردهای روز دنیا

**BETA**<sup>®</sup>  
BELIEVE POWER



**BETA**<sup>®</sup>  
BELIEVE POWER



بزرگترین تولید کننده انواع توپ های ورزشی  
چرمی و لاستیکی استاندارد در ایران

[www.betasport.ir](http://www.betasport.ir)



## ژنرال های فوتبال اردبیل

یکی از دوستان که عمری را در عرصه فوتبال سپری کرده و موهای خود را سفید کرده است به من گفت، شنیدی که برخی ها هوای ژنرال شدن در فوتبال اردبیل را بر سر دارند و می خواهند با یدک کشیدن چنین عنوانی سری در میان سرها در آورند.

گفتم: تو هم بی کاری که هر از چندی برای خودت سوژه ای پیدا می کنی تا برای مدتی سرگرم باشی و بدین ترتیب روزگار پر استرسی را پشت سر بگذاری.

گفت: مگر دروغ می گویم. عده ای برای این که بتوانند جا پایی در بین هواداران و جماعت فوتبال منطقه باز بکنند، دست به دامن القاب و عناوین خود ساخته می شوند. روزگاری دل به "خان" شدن می بندند، زمانی عنوان "بیگ" را برآورده خود می دانند و این روزها نیز به کلمه "ژنرال" علاقه مند شده اند.

گفتم: بابا ول کن. آنها اگر در نهادشان بزرگ شدن و رسیدن به اوج انسانیت جایی داشت نیازی به این عناوین دروغ و خودساخته نداشتند. اصلا آنها چرا خود اقدام می کردند، مردم به سراغ آنها می رفتند و با تمام وجود و عشق آنها را مفتخر به صفاتی نیک می نمودند.

گفت: نمی دانم ظرفیتی که فوتبال ما دارد آیا "ژنرال" خطاب کردن آنهايي که حتی توان استوار شدن ندارند چه نفعی برای این قبیل افراد می تواند داشته باشد. غرور، خودپسندی و خود بزرگ بینی چه بلاهایی که نصیب هواداران شان نمی کنند.

گفتم: مطمئن باش فوتبال اردبیل و طرفدارانش اجازه خودنمایی به این افراد و خودباختگان و جاه زده ها نمی دهند و آنها با دست زدن به هر ترفند و در برخی موارد فحاشی و هتک حرمت عرض خود می برند و زحمت هواداران می دارند. پس خیالت راحت باشد شاید آنها در خواب خود را "ژنرال" ببینند و بس.

به یکی گفتند فلانی در شهر غوغا کرده است و می خواهد به همه زور بگوید و خودش را مطرح بکند. نگاهی به راوی این خبر کرد و گفت: می شناسمش مورچه چه هیكلی دارد که کله و پاچه اش چه باشد.

### قابل توجه هیات های ورزشی استان

نشریه الکترونیکی ورزش اردبیل آماده انعکاس عملکرد، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به فعالیت های انجام یافته به صورت رایگان می باشد. نشریه ورزش اردبیل در کنار خدمتگزاران صادق استان در راستای توسعه ورزش و اطلاع رسانی به مردم قهرمان و ورزش دوست استان می باشد.

با ما در تماس باشید

شماره تماس

۰۹۱۴۴۵۲۹۵۳۷

## شفاف سازی بهترین هدیه

### برای افکار عمومی

در این مورد دهان به دهان می گردند تا چه اندازه قابل اعتماد هستند.

یک اصل می گوید جایی که واقعیت بیان نشود در آنجا شایعه رواج پیدا می کند. وقتی از دو سال گذشته در مورد هزینه های فوتبال و نماینده آن در لیگ انواع حرف ها و حدیث هاست چرا نمی آیند و برای اولین و آخرین بار نمی خواهند صاف و راست به این شایعه ها بپردازند و برای همیشه بساط آنها را جمع بکنند.

درویش هایی که مزه بودن در صحنه فوتبال به مذاقشان خوش آمده است، نمی خواهند از آن دست بکشند و حتی برای مدت کوتاهی صحنه را به دیگران واگذار کنند. این قبیل افراد اگر از در بیرونشان بکنی حتما از پنجره می آیند تا دلداگی خود به فوتبال و برکات آن را نشان بدهند؟ هر کاری که بشود و به هر نحوی که مقدمه چینی شود ذره ای از ارادت آنها به فوتبال کاسته نمی شود. اصلا سند فوتبال به نام برخی ها زده شده و به جز آنها و دوستان و عزیزانشان هر کسی که بخواهد در این وادی قدم بگذارد افرادی مغرض، خائن، بی سواد و فوتبال نفهم قلمداد می شوند.

فوتبال اردبیل و با سابقه ترین تیم آن به سرنوشتی دچار شد که نمونه آن در تاریخ ورزش این دیار دیده نشده است و این ظلم و این ضربه ها از طرف به ظاهر خودی ها و هواداران منافع مادی روا داشته شد و تاریخ آنها را هرگز فراموش نخواهد کرد.

در پایان فصل هر نتیجه ای که برای ماندن و یا سقوط تیم به دست آید باید با استفاده از اطلاعات موجود در معرفی خادمین و خائنین اقدام گردد و برای همیشه پای آنهايي که بودن در فوتبال را به هر بهایی روا و مباح می دانند از این رشته برطرفدار قطع گردد.

در نهایت دانستن حق مردم است و هواداران فوتبال می خواهند بدانند که چرا از سوی دستگاه های نظارتی، شهرداری و سازمان فرهنگی ورزشی از تیم داری حرفه ای در فوتبال منع شده اند؟ آیا نمی توان این خواسته را برآورد کرد و پرونده شایعات در این مورد را مختومه اعلام نمود.

درویشی را حکایت کنند که از روستایی می گذشت و اهل روستا را ماتم زده و گریان دید. علت را پرسید، پاسخ دادند کدخدا در بستر بیماری است و پزشکان از معالجه او قطع امید کرده اند، درویش به دلداری نشست و گفت: علاج کدخدا در کف با کفایت من است که دم مسیحایی دارم و روح گریخته از جسم به کالبد باز می آرم.

خاطر آسوده دارید، اطعمه و اشربه پرقوت فراهم آرید و مرا با بیمار در حجره ای تنها بگذارید. روستائیان به وجد آمده، آنچه درویش فرموده بود فراهم آوردند و او را با کدخدا در حجره ای تنها گذاردند. ساعتی بعد، درویش «لا حول» گویان از حجره بیرون آمد و روستائیان هلهله کنان و کف و سوت زنان گرد او حلقه زدند، با این گمان که کدخدا شفا یافته و ریاست از سر خواهد گرفت اما، درویش را چهره درهم کشیده یافتند. با نگرانی پرسیدند، کدخدا چه شد؟ آیا عمرش به دنیا بود؟ درویش گفت: پیش از آن که بر بالینش حاضر شوم مرده بود!

پرسیدند، پس اطعمه و اشربه برای چه خواستی؟ «لا حول» چرا گفتی؟ و این چه معالجت بود که کردی؟ درویش گفت: اگر اطعمه و اشربه نخواست بودم، من نیز مرده بودم و «لا حول» به حکمت خدای سبحان گفتم که کدخدای بی جان را وسیله نجات من نیمه جان کرد.

داستان آن درویش شبیه داستان برخی ها در فوتبال اردبیل هست. آنها یعنی همان بعضی ها در این فکر و اندیشه نیستند که آیا فوتبال ما از بین رفته است یا نه؟ اصلا سقوط کرده و دیگر حال ایستادن در روی پاهایش را دارد یا نه؟ آنها می خواهند از کنار مرگ فوتبال برای خودشان نان و آبی تدارک ببینند و به هدفشان برسند.

راستی چرا کسی در این شهر جرئت ندارد که بیاید و بگوید در سه سال گذشته بر سر فوتبال و نماینده آن در لیگ چه آمده است؟ شفاف سازی بکند که چگونه مسیر سقوط فوتبال هموار شد و چه کسانی در این راه نقش بولدزر و جاده صاف کنی داشتند. اصلا چه افرادی از قبل فوتبال ما به پاداش های میلیونی رسیده اند و آیا شایعاتی که

## سرگذشت دردناک تیم فوتبال اردبیل و سؤالات بی جواب



یک هفته به پایان رقابت های لیگ دسته دوم باشگاههای کشور باقی مانده است. جدول رقابت ها نشان می دهد که دیگر نباید به بقای نماینده اردبیل در لیگ امیدوار شد. استانی با پیشینه و سابقه درخشان در فوتبال، به حال و روزی دچار شده است که گریه کردن به حال آن واجب، لازم و ضروری است.

امسال ابر و باد و مه و خورشید و فلک و خلاصه عوامل متعدد دست به دست هم دادند و سرنوشتی بسیار غم انگیز و دردآور برای فوتبال اردبیل رقم زدند. برخی ها هم که همیشه در گوشه ای نشسته و منتظر گل آلود کردن آب هستند، تا ضربه ای به در می خورد وارد گود می شوند و برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده به هر وسیله ای متوسل شده و زمین و زمان را مورد حمله قرار می دهند.

برای بررسی دقیق علل افت فوتبال اردبیل و سقوط نماینده آن به لیگ دسته سوم نیاز به یک کار علمی است. در حال حاضر هر کس به پشتوانه داشته ها و اطلاعاتی که دارد در این رابطه قضاوت کرده و نوک پیکان حمله را متوجه عوامل متعدد می کند.

این که فوتبال اردبیل بدترین روزها و هفته های دوران حیات خود را در این روزها سپری می کند ادعایی درست و اصولی است. ضربه اولیه برای کوک کردن ساز نابودی و فنای تیم شهرداری از کجا بر پیکر این تیم وارد شد؟ چرا شورایی ها علم مخالفت با تیم داری شهرداری را بر افراشتند؟ چرا در مدت کم تر از دو سال سازمان فرهنگی ورزشی تغییرات متعددی را متحمل شد؟ به چه دلیل زمانی که تیم در رقابت های دسته یک، هفته های بسیار حساس در مراحل پایانی لیگ را در پیش رو داشت برخی از شورایی ها مدام و به نوبت بر علیه تیم و سازمان فرهنگی ورزشی سخن گفتند و بحث واگذاری تیم را به دفعات مطرح نمودند؟ چرا در ایامی که تیم نیاز به حمایت و پشتیبانی معنوی داشت، آقایان مسؤول هر روز بحث جدید و فصلی نو در امر واگذاری گشودند و روی آن مانور دادند؟ به چه دلیلی در مورد واگذاری، آقایان در پشت صحنه، خود نشستند و بریدند و دوختند و به یکی از متقاضیان وعده های آنچنانی داده و کار واگذاری را تمام کردند و برای پوشاندن لباس قانونی به آن، کمیته سرکاری تشخیص اهلیت را مطرح کردند؟ اگر نظر کمیته

دادن شان در کنار یکدیگر می توان به علل فاجعه فوتبال اردبیل پی برد.

در مقطعی مجید حیدری متهم ردیف اول ناکامی تیم شهرداری لقب گرفت. او به طرق مختلف مورد حمله قرار داشت. در کنار ضعف ها و اشتباه هایی که داشت عده ای او را سپری برای رسیدن به آنچه که در برنامه هایشان بود، قرار دادند. بزرگ ترین اشتباه حیدری آن بود که در آغاز کار، واقعیت ها را با جامعه فوتبال استان در میان نگذاشت. او باید رک و راست می گفت که با وعده آقایان مبنی بر کمک ۶۰۰ میلیون تومانی پا در این عرصه گذاشته است. در همان روز اول اعلام می کرد، از نظر مالی فرد توانایی نیست ولی به او گفته اند بیا مسؤولیت تیم را بپذیر، از شما حمایت می شود. عدم شفاف سازی بزرگ ترین خطای وی بود.

اما اگر چه او در اردبیل مظلوم واقع شد و در روزهای آخر نتوانست زیر فشارها دوام بیاورد و جوابگوی هزینه های انجام یافته بشود، برای آرام کردن وضع، به وعده های بی اساس روی آورد ولی به حق، آنچه در توان داشت تلاش کرد. او علی رغم آن که از نظر مالی در وضعیت مساعدی نبود ولی باید پذیرفت که هزینه هایی برای تیم انجام داده است. هزینه ها برای تیمی که نه به نامش بود و نه سودی از کنار آن برده است. او هم مانده است که جواب طلبکاران را چه بدهد. امیدوار است که مسؤولین و دست اندرکاران هزینه های انجام یافته توسط وی را

سرکاری، ملاک عمل بود به چه علت آقایان با نادیده گرفتن یکی از مصوبات کمیته سرکاری، سفته را جایگزین ضمانت نامه بانکی نمودند؟ به چه دلیلی نزدیک به چهار ماه مجید حیدری مدیر عامل آبی پوشان را به مانند توپ فوتبال این طرف و آن طرف شوت کردند و در نهایت آنهایی که او را به فوتبال اردبیل معرفی کرده و با قربان و صدقه به قبول مسؤولیت تیم وادارش کرده بودند، پیشنهاد استعفا داده و بالاخره از اردبیل فرارایش دادند؟ چرا علی رغم اعلام آمادگی هیات فوتبال استان و علی آستانه، باز معضلات انتقال را نتوانستند حل نمایند؟ چرا وقتی آقایان به آن حد برای انتقال امتیاز تیم به بخش خصوصی اصرار داشتند، قبل از اقدام به واگذاری زمینه های لازم برای انتقال را فراهم نکردند و دست به کاری زدند که درست مانند آب در هاون کوبیدن بود؟ چرا بحث تعویض سرمربیان با هر اتفاقی مطرح می شد، و به چه دلیل احد شیخ لاری فرار را بر قرار ترجیح داد و او در قبال چه خواست ها و چه فشارهایی ایستادگی کرد؟ بحث هزینه های تیم داری در دو سال گذشته چرا شفاف سازی نمی شود و هر روز در ارتباط با آن حرف و حدیث تازه ای مطرح می شود؟ جریان چسبیده ها و آویزان ها از تیم چیست و آنها از طرف چه کسانی مورد حمایت و پشتیبانی قرار می گیرند؟ نقش اداره کل ورزش و جوانان و هیات فوتبال استان در سرنوشت تیم چه بوده است؟ و دهها سوال دیگر که اگر به همه آنها جوابی قانع کننده پیدا شود با قرار

## نق زن های از خود راضی

بدبین، مغرور و از نظر اخلاقی غیر قابل تحمل هستند که باید بپذیرند مشتشان در پیش ورزشی ها باز شده است و حرکت های ناشی از غرور آنها دیگر خریداری ندارد. حالا هر چقدر که می خواهند فریاد بکشند و از حسد و عصبانیت هر روز بیشتر از روز قبل غم و غصه بخورند. از طرف دیگر به جای ایراد گرفتن بهتر است آقایان لیستی از اقدامات خیرخواهانه خود در ارتباط با ورزشکاران استان و پیشکسوتان را اعلام بکنند، آدرس موسسه ای که این آقایان شب و روز خود را در کمک به نیازمندان دنیای ورزش می گذرانند، اعلام بکنند. چرا که وقتی کسی حرفی می زند و اتهامی را متوجه دیگران می کند باید قبل از هر کسی خود به گفته هایش عمل نماید.

در فرهنگ معین نق زدن به غرغر کردن و بهانه جویی کردن آمده است. متأسفانه در ورزش و بخصوص در فوتبال هستند کسانی که به جز نق زدن و به همه چیز و همه کس ایراد گرفتن و هر امری را برای حمله به دیگران بهانه قرار دادن کار دیگری ندارند. همین هفته گذشته برگزاری مراسمی در سالگرد درگذشت یکی از پیشکسوتان فوتبال را آقایان نتوانستند تحمل کنند و به کمک برخی از دوستان خواستند که به نوعی این حرکت را زیر سؤال ببرند. نکند برخی آقایان چنین می پندارند که مراسم و تجلیل و یاد کردن از کسانی که در فوتبال و ورزش خدمت کرده اند فقط مختص برخی ها می باشد و برای دیگران در این ارتباط حقی قائل نیستند. این قبیل افراد آنقدر

## گذشت در مقابل زیاده خواهی

امسال چه بخواهیم و چه نخواهیم ضرباتی از دوست و دشمن بر پیکر فوتبال اردبیل وارد شد و تن این رشته ورزشی زیبا و پرتماشگر را مجروح و نحیف و نزار کرد.

زیاده خواهی عنصری است که در فوتبال ما بر جای گذشت، جلوس کرده و فی الحال هرچه تیر و ترکش است از همین ناحیه یعنی از ناحیه زیاده خواهی در زمین فوتبال و بر تن و جان ورزشکاران فرود می آید و آنقدر این کار ادامه یافت تا فوتبال ما ونماینده آن را در لیگ دسته دوم به مرز موت رساند.

زیاده خواهی کسانی که در لباس دوستدار این تیم و عاشق آن دست از سر تیم بر نداشتند و نخواستند گذشت بکنند و برای مدت محدودی هم که شده باشد از آن چشم ببوشند و آن مجموعه را به حال خود بگذارند. باید نشست و به دقت سرنوشت این تیم را از دو سال گذشته مورد بررسی قرار داد و بدون رودربایستی و ترس از حاشیه سازی ها و اتهام زنی ها بخشی از زیاده خواهی ها را به تصویر کشید و لایه های تو بر توی قسمتی از احوال ناخوش فوتبال اردبیل را نشان داد.

زیاده خواهی و خود را در سرنوشت و گذشته و حال آن سهام دار تلقی کردن و به هیچ حرف و تصمیمی گوش نکردن و بر طبل رای و نظر و خواست خود کوبیدن، آورد آنچه را که نباید بر سر این تیم می آمد.

آنهایی که دم از مردی و مردانگی می زنند و خود را حق و دیگران را باطل می دانند و جز خود کسی را علمی و فنی نمی دانند، در عمل نشان دادند که این ادعا ها همه اش در حد حرف است و آنها توان و عرضه عمل به آنهایی که بر زبان جاری می کنند را ندارند. برای برخی از آن ها عشق به فوتبال اردبیل جز وسیله ای برای ماندن در صحنه و بهره بردن از آن چیز دیگری نبوده و نیست. اگر این حضرات که در حرف زدن و مدعی شدن، مدرک دکتری دارند حداقل به زندگی و خصوصیات پیشگامان جوانمردی و مردانگی در ورزش نظری می افکنند، این قدر بر منافع و آرای خود پافشاری نمی نمودند.

آنها اگر صادق بودند و فردای خود را فدای امروز و چند روزی مسؤول بودن و در صحنه حضور داشتن نمی کردند چه خوب بود، نگاه می کردند به رفتار بزرگانی چون پوریای ولی که خصلت گذشت، او و نامش را بر صدر پهلوانان راستین این مرز و بوم قرار دارد و اگر خوب به مرحوم تختی و سرنوشت او نگریسته شود خواهیم دید که همین خصلت گذشت، نام او را فراتر از همه قهرمان های دوره معاصر ورزش قرار داده است.

امروز همه سعی می کنند که به نحوی در ناپود کردن فوتبال برای خود شریک جرمی پیدا بکنند و هیچ کس به نقش این زیاده خواهان که عاملین اصلی در دربدری نماینده فوتبال اردبیل می باشند توجهی نمی کنند. زیاده خواهان در سال های اخیر در قامت دوست و هوادار سینه چاک و قدر قدرتی نامدار به فوتبال و تیم آسیب وارد کرده اند و امیدواریم صاحبان قلم و اندیشه و آنهایی که به خوبی در جریان این تیم هستند به مرور در معرفی آنها اقدام کنند تا دگر باره آنها جرئت تکرار اعمال ننگین و شرم آور خود را نداشته باشند.

## سرگذشت دردناک فوتبال اردبیل وسؤالات بی جواب

باید در سایه افکار عده ای غیر متخصص پرادعا در زیر سایه قرار بگیرد. خرید امتیاز یک تیم دسته دومی برای فصل آینده کوچک ترین کاری است که آقایان می توانند در حق فوتبال و تماشاگران و جوانان منطقه بکنند. ممکن است آقایان که ید طولانی در طرح مسایل جزئی برای سرپوش گذاشتن به مسائل کلی را دارند، این بار نیز از همین امروز تلاش خود را آغاز می بکنند و دست به دامن شدن به مسائل فرعی، اصل قضیه و ظلم در حق فوتبال را بخواهند تحت پوشش قرار دهند. برای ناکام گذاشتن حضرات که می توانند با استفاده از عوامل و تربیون های مختلف انجام بگیرد هوشیاری تماشاگران و علاقه مندان برای تن ندادن به فضا سازی آنها و طرح خواسته اصولی مبنی بر تامین خسارت وارده به فوتبال منطقه توسط عاملین و بنیان اصلی مورد نیاز می باشد.

بقیه از صفحه ۴  
پرداخت نمایند تا او هم با طلبکاران تسویه نماید.  
به هر حال امید می رود آنهایی که بانی و باعث سقوط تیم از لیگ دسته دوم به سوم شدند و زمینه آن را فراهم کردند حداقل به یکی از بندهای قراردادی که هرگز توسط دو طرف واگذار کننده و تحویل گیرنده امضاء نشد، خود اقدام کنند و از حالا به فکر خرید امتیاز یک تیم دسته دومی باشند.  
کسانی که در حق فوتبال و فونبالدوستان اردبیلی با تصمیمات خودشان کم لطفی کرده و آن را به عمق دره ای خطرناک پرت نمودند، باید تا فرصت باقی است نسبت به جبران اقدام کنند.  
اردبیل در فوتبال، جایگاه و مرتبتش، دربدری، بی خانمانی و تحقیر شدن نیست. این منطقه و جوانان لایق و صبور آن نشان داده اند که همیشه سرفرازند و برترند. پس این برتری و سرفرازی آنها

# انتخاب هوشمندانه در انتخابات شورای شهر



به خوبی عمل نماید باید از یک سیاست و روش خاصی پیروی و در چارچوب مشخصی از نظام ارزش‌ها (بایدها و نبایدها) حرکت نماید. پس یکی از مهم‌ترین، اساسی‌ترین و بالاترین وظایف جامعه

با نزدیک شدن به انتخابات شوراهای اسلامی، کاندیداهای احتمالی در تب و تاب یازگیری بوده و تلاش می‌کنند با جلب نظر افراد با نفوذ و چهره‌های معروف برای خود موقعیتی مناسب در انتخابات رقم بزنند.

در چنین مواقعی یکی از اقلاری که بیشتر مورد توجه قرار گرفته و کاندیداها و نامزد ها تا مرحله پای صندوق‌های رای، قربان و صدقه‌شان می‌روند جامعه ورزشی و ورزشکاران و وابستگان به این قشر می‌باشد.

بحث ورزش و سیاست یکی از مباحث مهمی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. در برخی موارد شنیده می‌شود که عده‌ای ادعا می‌کنند که ورزش نباید سیاسی باشد. این ادعا حرف درستی است، در این معنی که جامعه ورزش و دوست اندرکاران آن و ورزشکاران افتخارآفرین نباید مورد سوءاستفاده سیاستمداران و سیاسی‌کاران قرار بگیرند و در جریان دعوایها و کشمکش‌های سیاسی و جناحی بازیچه شوند و به آسانی و مفت و ارزان خرج شوند. این که ورزش نباید به ابزار دست باندها و جریان‌های سیاسی تبدیل شود و در خدمت اهداف حزبی و گروهی آنها قرار بگیرد حرفی منطقی، اصولی و قابل قبول است و عملی کردن آن می‌تواند سعادت و موفقیت اهالی جامعه ورزش را به دنبال داشته باشد.

و اما ورزش یک امر اجتماعی و عمومی است که باید همسو و هماهنگ با سیاست‌های کلی نظام باشد و حرکت آن در راستای منافع ملی و در خدمت مصالح عمومی کشور و نظام باشد. اما این که در برخی اوقات عده‌ای بیان می‌کنند که ورزش باید به دور از هرگونه نظارت و باید ها و نبایدهای ارزشی باشد و یا به عبارتی دیگر می‌گویند ورزش باید برای ورزش باشد، این حرف قابل قبول نبوده و در نوع خود سیاسی‌ترین حرفی است که بر زبان‌ها جاری می‌شود.

ورزش برای ورزش یعنی ورزشی که وجود دارد اما ماهیت و هویت ندارد. طرفداران این نظر و کسانی که پرچم و لوای ورزش برای ورزش برافراشته می‌کنند، می‌خواهند که هویت و ماهیت مورد نظر خود را به ورزش تحمیل نمایند.

ناگفته پیداست برای این که ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی بتواند به وظیفه‌اش در قبال جامعه

رشته‌های ورزشی مختلف و تماشاگر پسند قدم‌های خوبی برداشتند و در مجموع حرکت‌هایی بر خلاف نظر و رای و خواست جوانان انجام دادند.

برای این که ورزش بتواند در شورا از جایگاه مناسب برخوردار باشد حضور ورزشی‌ها و کسانی که به زوایای مختلف فعالیت‌های ورزشی و نقش و تاثیر آن در توسعه و پیشرفت منطقه آگاهی و آشنایی دارند، می‌تواند ورزش اردبیل را از حمایتی منطقی و قابل اعتماد برخوردار نماید.

زدن چوب حراج بر یکی از سرمایه‌های ورزش استان و در نهایت واگذاری رایگان آن به بخش به اصطلاح خصوصی و در نهایت سقوط تیم به دسته پائین تجربه خوبی برای جوانان و علاقه‌مندان به ورزش بود که این بار در انتخاب خود با دقت بیشتر و بررسی کامل و با توجه به تمام زوایا و پارامترهای مورد نظر برای تشخیص یک فرد ورزشی تمام‌عیار اقدام نمایند.

این بار حتما و مسلماً ورزشی‌های اردبیل و تماشاگران و علاقه‌مندان به ورزش اجازه نخواهند داشت افراد را با استفاده از رای، موقعیت و محبوبیت آنها به پارلمان محلی راه یابند و در عمل به جای حمایت از ورزش، پرچم مخالفت با آن برافراشته کنند و به طرق مختلف در مقابل خواست و نظر هواداران ورزش بایستند و به جای حفظ و تقویت سرمایه‌های موجود چوب حراج بر آنها بزنند و زمینه برچیده شدن بساط ایجاد شور و نشاط ورزشی از جامعه را فراهم نمایند.

ورزش در مواردی که به حضور آنها در صحنه نیاز است ادای وظیفه و همگام شدن با اکثریت مردم و تلاش برای آبادانی مملکت و حرکت در چارچوب نظام و قوانین مربوط به آن می‌باشد. حضور در انتخابات نمونه بارزی از ادای دین ورزشی‌ها و ورزشکاران به کشور خود می‌باشد. جامعه ورزش چه در سطح کشور و چه در استان قهرمان پرور اردبیل همیشه در این بحث پیش قدم بوده و در همه انتخابات ادای تکلیف کرده و برای حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رای از هیچ کوششی دریغ نکرده و همیشه در صف مقدم اطاعت از رهبری قرار داشته‌اند.

در حضور یکپارچه ورزشکاران استان در انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر پیش رو هیچ شک و تردیدی وجود ندارد، اما آنچه مهم است و جامعه ورزشی باید به آن توجه کرده و با یک انسجام و وحدت نسبت به تحقق آن اقدام نماید. اولاً همانطوری که در بالا اشاره شد اجازه سوء استفاده سیاسی کاران و جریان‌های سیاسی داده نشود و ثانیاً در انتخاب افراد برای حضور در پارلمان محلی با دقت و وسواس بیشتری عمل شود تا با گذشت زمان از انتخاب خود احساس پشیمانی و ندامت نکنند.

حضور افراد ورزشی و علاقه‌مند به فعالیت‌های ورزشی به همراه دارا بودن تخصص‌های مورد نیاز شورا می‌تواند نقش بسیار تاثیرگذار در معادلات ورزشی و فعالیت‌های آن در سطح شهر داشته باشد. دوره‌ای که روزهای پایانی آن را سپری می‌کنیم متأسفانه به جز افراد معدود، اکثریت اعضا برای ورزش و ایجاد شور و نشاط در جامعه با استفاده از

# اردبیل نائب قهرمان کشتی فرنگی کشور در سال ۷۶

تا فرصتی به دست می آید، گوشه ای از افتخارات ورزش اردبیل در سال های گذشته را بازنویسی می کنیم تا نسل جوان با مطالعه آنها بدانند که در گذشته ای نه چندان دور، ورزش اردبیل در بیشتر رشته ها حرف های زیادی برای گفتن داشته است.

یکی از رشته های ورزشی که سال ها اردبیل به عنوان یکی از قطب های آن در سطح کشور محسوب می شد، کشتی فرنگی است. رقابت های کشتی فرنگی قهرمانی کشور در مهر ماه سال ۷۶ به میزبانی خرم آباد برگزار شد. تیم کشتی فرنگی اردبیل در این رقابت ها با مربیگری مرحوم جابر عباس زاده شرکت کرد. در ترکیب تیم، بزرگان آن سال های کشتی فرنگی کشور چون حمید صمدی، علی خوشطینت، سلیم لسانی، بهرام حسین زاده، علی رسولی و جوان جوئی نام، علی اشکانی حضور داشتند. همچنین مرحوم محمد نقوی نیا نیز به عنوان داور در مسابقات خرم آباد شرکت کرده بود.

کشتی فرنگی اردبیل در سال ۷۶ همچنان در اوج بود. کشتی گیران قدرتمند اردبیل صاحب سبک و از ویژگی های خاصی بهره می بردند. بعد از رقابت های خرم آباد، مجله کیهان ورزشی در گزارشی از این رقابت ها در مورد تیم کشتی فرنگی اردبیل نوشت: اردبیل استانی که حالا مهد کشتی فرنگی ایران است. دلاوران نیکو سیرت تحویل کشتی مملکت می دهد، در تربیت کشتی گیران مستعد حرف اول را میزنند و حالا در هر دوره مسابقه یک پای قهرمانی است. اما همین اردبیل اگر به طور کامل هدایت می شد، چه بسا می توانست جامه قهرمانی را بر تن کند، لسانی نباید سر خود از مسابقات خود را کنار می کشید و مربی هم تأیید می کرد. در تیمی که امثال اشکانی های جوان، متواضع و خوش اخلاق عضو هستند، بروز نافرمانی و ظهور چنین حرکت هایی ممکن است تاثیرات نامطلوبی بر جای بگذارد. اگر لسانی قدر خودش را می دانست به موفقیت های بهتری می توانست دست پیدا بکند.

علی اشکانی که این روزها مسؤولیت سرمربیگری تیم ملی کشتی فرنگی را بر عهده دارد در آن مسابقات جوانی تازه به دوران رسیده بود که کم کم

خود را در کشتی فرنگی کشور مطرح می کرد. در ارتباط با او هم مجله کیهان ورزشی نوشت: "آدمی وقتی علی اشکانی جوان رعنا اردبیلی را می بیند که چگونه هم مبارزی صادق است و هم جوانی نیکو سیرت و جوانمرد، به وجد می آید".

راستی چه بر سر کشتی فرنگی ما آمد، با این رشته ورزشی پرتعداد اردبیل، آقایان مسؤول و دست اندرکاران در سال های گذشته چگونه رفتار کردند و چه نسخه ای برای پیش پیچیدن که امروز دیگر از آن عظمت، وقار و ابهت چندان اثری نمی توان پیدا کرد.

آن همه کشتی گیر جوان و جوئی نام کجا رفتند و



علی اشکانی (اردبیل)

حمید صمدی (اردبیل)

چرا به کشتی پشت کردند؟ چگونه دیگر سکو های قهرمانی اوزان مختلف کشتی فرنگی نمی تواند توسط قهرمانان و فرزندان اردبیل به تسخیر در آید؟ عاملان اصلی پسرفت و نزول این رشته در استان مستعدی چون اردبیل چه کسانی بودند؟ آیا آنها نباید در قبال عملکرد خود پاسخگو باشند؟ هر آدم منصفی که سرنوشت کشتی فرنگی اردبیل را مورد بررسی قرار دهد و افتخارات سال های نه چندان دور آن را با حال و روز امروزی مقایسه کند جز تاسف خوردن و آهی از ته دل کشیدن نمی تواند کار دیگری انجام بدهد. در آن رقابت ها یک کشتی گیر اردبیلی نیز در قالب تیم تهران در رقابت ها حاضر شده بود. سیاوش حیدری کشتی گیر وزن ۵۰ کیلوگرم اردبیل در مسابقات خرم آباد با دوینده تیم تهران کشتی گرفت.

در ۵۰ کیلوگرم نماینده اردبیل غلام ماهوتی بود که در دور اول در برابر رضا توکلی قهرمان این مسابقات از اصفهان شکست خورد.

در ۵۴ کیلوگرم حمید صمدی کشتی گیر توانای اردبیلی صاحب گردن آویز طلا شد. او تا رسیدن به سکوی قهرمانی محمد خسروی نیا از آذربایجان شرقی، علیرضا کار اندیش از فارس، بهروز حیدرزاده از ایلام، حسین خدابنده لو از قم و بهزاد هاشمی از کرمانشاه را مغلوب کرد و به مقام قهرمانی دست یافت.

در ۵۸ کیلوگرم یک کشتی گیر دیگر اردبیلی یعنی علی اشکانی با قاطعیت در سکوی اول قرار گرفت.

علی اشکانی برای رسیدن به مقام قهرمانی به ترتیب امید ملایی از تهران، علیرضا عزیزیان از کرمانشاه، سعید سالکی از آذربایجان شرقی، مسلم شیرزاد از خوزستان و عبدالصاحب حیدرزاده از ایلام را شکست داد.

در ۶۳ کیلوگرم بهرام حسین زاده در دور سوم رقابت ها در مقابل عبدالله عزیز پور از هرمزگان مغلوب شد و در پایان در جای چهارم قرار گرفت. در ۶۹ کیلوگرم نماینده اردبیل سلیم لسانی بود که پس از باخت در دور دوم در مقابل سجاد شهبازی از لرستان از ادامه رقابت ها خودداری کرد.

در ۷۶ کیلوگرم علی رسولی از اردبیل به مدال نقره رسید. او در شب پایانی کشتی را به مهدی صادق پور واگذار کرد.

در ۸۵ کیلوگرم عادل شاهی زارع ششم شد. در ۹۷ کیلوگرم علی خوشطینت در دور دوم به محمد شربینی نتیجه را واگذار کرد و به مقام پنجم رسید.

در پایان این رقابت ها تیم تهران با کمک توابع تهران و با به خدمت گرفتن کشتی گیرانی از اردبیل و میانه با کسب ۵۴ به مقام قهرمانی رسید. تیم اردبیل با ۴۷ امتیاز به نایب قهرمانی دست یافت و لرستان با ۴۶ امتیاز سوم شد.

تیم های خوزستان با ۴۴ امتیاز، کرمانشاه با ۳۴ امتیاز و اصفهان نیز با ۳۲ امتیاز در مکان ها چهارم تا ششم قرار گرفتند.

## یاران نیار قهرمان مسابقات والیبال جام روستایی شهرستان اردبیل



قهرمان ایران و یادآور وحدت و یک دلی مردمی مسلمان و عاشق ولایت می باشد عاملی برای سنجش توان ورزشکاران استان برای آگاهی از میزان آمادگی جهت حضور ی آبرومندانه در رقابت های آتی است. برای ورزشکاران استان مایه برکت و وسیله ای برای مطرح شدن است.

هیات والیبال استان که این روزها با

به منظور گرمی داشت ایام اله دهه فجر ، امسال مسابقات متعدد با استقبال خوب تماشاگران در سطح کلیه شهرستان های استان برگزار گردید.

برنامه ریزی و اجرای به موقع این رقابت ها می تواند شور و نشاط خاصی به اماکن ورزشی بدهد و در بین جوانان و آینده سازان ورزش استان، انگیزه های لازم برای پشت سر

رقابت ها برگزار شد تیم والیبال یاران نیار به مقام قهرمانی رسید و تیم ینگجه در سکوی دوم قرار گرفت. تیم والیبال کمی آباد نیز در مکان سوم این رقابت ها قرار گرفت . کمیته برگزار کننده رقابت ها کاپ اخلاق این دوره از مسابقات را به تیم والیبال کلخوران اهدا کرد.

کاپ ها و جوایز تیم های برنده در مراسمی با حضور مدیر کل ورزش و جوانان، رئیس هیات والیبال استان، رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان اردبیل ، دو نفر از معاونین فرماندار اردبیل و جمعی از دستداران والیبال اهدای شد.

گفتنی است مراسم اهدای کاپ و جوایز تیمهای برتر با حضور مدیرکل ورزش و جوانان ، رئیس هیات والیبال استان ، سرپرست اداره ورزش و جوانان شهرستان اردبیل رئیس هیات والیبال شهرستان و معاونین فرماندار اردبیل اهدا شد.



ورزشی برادران شهید عظیم پوربرگزار شد با حضور ۱۱ تیم در دو گروه از ۹ بهمن ماه آغاز شد .

پس از برگزاری دیدار های مقدماتی تیم های نیار و کمی آباد به دیدار رده بندی و ینگجه یاران نیار نیز به بازی فینال راه یافتند.

با انجام دیدار های نهایی که با حضور جمعی از مسؤولین و دستداران والیبال و طرفداران تیم های حاضر در

حمایت اداره کل ورزش و جوانان درگیر امور مربوط به برگزاری مسابقات امید های آسیا در اردیبهشت ماه سال آینده است در ایام اله دهه فجر با محوریت هیات والیبال شهرستان اردبیل نسبت به برگزاری مسابقات جام روستایی شهرستان اردبیل اقدام کرد.

این، مسابقات که بمنظور توسعه و ترویج ورزش در مناطق حومه و روستایی در محله نیار و درسالن

گذاشتن تمرینات سخت و طاقت فرسا را ایجاد بکند.

پیگیری اخبار مسابقات برگزار شده در ایام اله دهه فجر نشان می دهد که امسال حجم این مسابقات از افزایش خوبی برخوردار بوده و بالاتر از همه نسبت به انعکاس این فعالیت ها نیز از سوی برگزار کنندگان اقدامات خوبی انجام پذیرفته است.

ایام اله دهه فجر که یادآور روزهای با عزت و ایام مقاومت و ایستادگی مردم





## مصوبه شورا و تیم شهرداری، سفته به جای تضمین بانگی

گذاشتند؟ آیا این کار شورا و آنهایی که این خواب را برای فوتبال اردبیل دیده اند کاری منطقی و قابل قبول با آینده ای روشن برای فوتبال اردبیل می تواند باشد؟

گویا کسانی که برای تصاحب تیم شهرداری مصمم بوده اند گام دوم را نیز با موفقیت برداشتند ولی مطمئناً در ادامه با موانع قابل ذکر مواجه خواهند شد چرا که دیگر نمی توانند خواستار لغو و نادیده گرفتن شروط باقیمانده شوند و در فکر انتقال و یا فروش تیم برآیند.

اگر یکی از شروط در ارتباط با واگذاری محقق نگردد خود به خود بحث واگذاری منتفی است و حالا که حضرات در شورا به فوتبال دلسوزند و مصمم برای ساماندهی آن و در کمترین زمان برای موارد درخواستی جلسه برپا می کنند و تصمیم می گیرند چه بهتر این بار جلسه را برای بازگرداندن موقعیت تیم شهرداری برپا کنند.

با انتشار این نوشته برخی ها راه نیفتند و ما را متهم به تضعیف روحیه تیم در کوران مسابقات نکنند و دوستان و یاران و هم پیمانانشان را برای زهر چشم گرفتن از ما مامور نمایند... قصد ما دفاع از حریم تیم و ممانعت از سوء استفاده است. من اگر توان نوشتن نداشته باشم نباید مدعی شوم و اگر قادر به ادای تعهدات نباشم لازم نیست تعهدی برای خود ایجاد کنم که نتوانم از عهده اش برآیم.

نویسنده این سطور از جمله افرادی بوده که در آخرین جلسه واگذاری حضور داشته و به شرط تحقق همه شروط با واگذاری موافق بوده است حال با این وضعیت و مقدمه ای که چیده شده به دلیل عدم تحقق یکی از شروط رای خود را پس می گیرد و امید است آنهایی که در ارتباط با مواردی مهارت، آشنایی و تجربه و آگاهی نداشته باشند اظهار نظر نکنند و کار را به اهلش واگذار نکنند. در این رابطه باز هم حرف هایی برای گفتن خواهیم داشت.

تاکید کرده و آن را پذیرفته است. اگر وی توانایی دادن تضمین بانگی را نداشته چرا در آن جلسه صراحتاً بر قبول این مسئله تاکید کرده و در فرصت مناسب از زمان واگذاری تا کنون نسبت به انجام این تعهد اقدام نکرده است؟

آیا اگر مدیر عامل باشگاه در جلسه واگذاری از قبول این شرط امتناع می کرد آیا باز تیم به وی واگذار می شد و اعضا به تصاحب تیم توسط آبی پوشان پایتخت رضایت می دادند؟ چرا اعضای شورای شهر قبل از تصمیم گیری در ارتباط با موافقت با اخذ سفته به جای تضمین بانگی از کسانی که در جلسه واگذاری به تیم داری آبی پوشان رای مثبت داده بودند نظر خواهی نکردند و خود بریدند و دوختند؟ آیا دعوت از برخی ها برای حضور در جلسه واگذاری به قصد سرپوش گذاشتن بر روی برخی از اعمال و حرکات و انداختن توپ به میدان دیگران نبوده است؟ تیم شهرداری سرمایه فوتبال اردبیل بود و شورائیان عزیز که مدعی هستند در همه حال به فکر مردم و جوانان هستند چرا چوب حراج به یکی از سرمایه های استان را به این آسانی زدند و آنگاه تبلیغ کردند که تصمیم گیری در واگذاری را به ورزش و جوانان محول کرده بودند؟ اگر چنین بود آیا در بحث تصمیم گیری مبنی بر اخذ سفته به جای تضمین بانگی از اداره کل ورزش و جوانان نظر خواهی شد؟ سپردن تضمین بانگی یکی از مهمترین شروط واگذاری تیم به آبی پوشان بود. چرا شورای شهر در یک جلسه و با عجله هر چه تمامتر نسبت به خلاصی مدیر عامل آبی پوشان و دوستانشان از این امر مهم رای مثبت دادند؟ اگر قرار است که شورا در این موارد خود تصمیم بگیرد پس چرا جمعی از پیشکسوتان و فوتبالی های شهر را به جلسه دعوت کردند و منت بر گردن آنها گذاشتند و در مصاحبه ها و گفتگوهای مختلف مدعی شدند که شورا کلیات امر را تصویب کرده و این بار به راحتی وارد معرکه شدند و شرطی را که آنها مشخص کرده بودند زیر پا

یکی از مهم ترین بحث های شرایط واگذاری ارائه ضمانت نامه بانگی به مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان بود که در صورت سقوط برای خرید امتیاز یک تیم دسته دومی مورد استفاده قرار می گرفت.

متأسفانه در همان اول کار شورا با جایگزینی سفته به جای ضمانت نامه موافقت کرد.

برخی از مطالب نوشته شده در مورد تیم و عدم تحقق بند های قرارداد و این که در مهر ماه قرارداد ملغی و تیم باید تحت پوشش صاحب اصلی قرار می گرفت در گذشته نوشته شده، از این هفته دو باره در سایت قرار می گیرد.

نمی دانم چه سری وجود دارد که همه کارهای مربوط به تیم گر این کار را انجام نداده و آن کار نشود همه چیز از دست رفتنی می شود، اصرار می کنند تا تصمیمی موافق میل و رغبت برخی از آقایان اتخاذ گردد.

در خبر ها آمده بود که شورای شهر در میان آن همه گرفتاری و هجمه ای که با آن روبرو هست تیم آبی پوشان و وضعیت آن را در اولویت قرار داده و تصمیمی مبنی بر موافقت با اخذ سفته به جای تضمین بانگی به مبلغ چهار میلیارد ریال گرفته اند و بدینوسیله خیال آقایان را از یک تعهد مستحکم و قابل قبول معاف نموده اند.

بهانه برای تصمیم گیری در این رابطه گویا زمان کم مانده به شروع مسابقات اعلام شده و اعضای محترم شورا نیز احساس مسئولیت در قبال فوتبال اردبیل نموده و با درخواست باشگاه و شهرداری موافقت کرده اند.

به نظر می رسد این تصمیم همانند اقدام به واگذاری تصمیمی درست، اصولی و قابل قبول نمی تواند باشد. سپردن تضمین بانگی به مبلغ چهار میلیارد ریال از اصول اولیه و لازم و ضروری واگذاری امتیاز به باشگاه آبی پوشان بوده و شخص مدیر عامل باشگاه در جلسه نهایی واگذاری بر قبول این شرط